

معیارهای سنجش ارزش‌ها از منظر علامه مصباح یزدی با رویکرد استنتاجی - تحلیلی

سید احمد رهنمایی*

چکیده

ارزش‌ها سلسله امور تجویزی هستند که مبتنی بر مجموعه‌ای از باورها با هدف عینیت بخشیدن به مفاد آن باورها تنظیم و ارایه می‌گردند. باورها به مثابه مبانی و ارزش‌ها به منزله بایدها و نبایدها در واقع دو رکن اصلی یک مکتب فکری به‌شمار می‌روند. یکی از مسایل بنیادین در قلمرو ارزش‌ها کشف معیارهای سنجش مفاهیم ارزشی می‌باشد. مقاله حاضر با تمرکز بر انجام چنین رسالتی درصدد است ضمن مراجعه به آثار علامه مصباح یزدی، با روش توصیفی-تحلیلی و در مواردی نقلی - روایی با تکیه بر رویکرد استنتاجی، به هدف تبیین معیارهای مزبور از منظر علامه مصباح بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عناصری چون نظام‌مندی، اصالت، عقلانیت، پایداری، انتقال‌پذیری، عمق، همسویی با هدف آفرینش، استحکام، اشراف ولایت الهی و انگیزه‌مندی نمونه معیارهای سنجش ارزش‌ها از منظر علامه مصباح به‌شمار می‌روند. مجموعه آثار و در مواردی سیره رفتاری علامه مصباح از جمله ابزار و منابع این پژوهش خواهد بود.

واژگان کلیدی

ارزش، مفاهیم ارزشی، معیار سنجش، رویکرد استنتاجی - تحلیلی، علامه مصباح.

طرح مسئله

در بررسی حاضر، تنها با مروری بر نرم‌افزار مشکات ۲ حاوی مجموعه آثار گوناگون علامه مصباح، مشخص شد یکی از پرتکرارترین واژگان در آثار ایشان واژه ارزش و مشتقات آن است. در این آثار، به‌طور پراکنده تعداد ۹۵۷۹ مورد در ۴۲۳۶ صفحه از ارزش و مفاهیم و معیارهای سنجش ارزش‌ها بحث به‌میان آمده است. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۴۰۰: واژه ارزش)

دامنه کاربرد واژه ارزش به‌قدری گسترده است که تقریباً در تمامی آثار استاد سخنی از آن در جریان است و با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، به برخی دیگر از ساحت‌های ارزشی نظیر ارزش‌های حقوقی و سیاسی نیز نظر دارد. این دامنه، نه‌تنها در ساحت نظر و اندیشه، بلکه در ساحت عمل و رفتار انسان نیز مستند به سلسله ارزش‌ها در ابعاد گوناگون ذکر شده می‌باشد. از این مجموع موارد، بالغ بر ۶۰۰ مورد در ۱۵۱ صفحه به مفاهیم ارزشی و از آن میان تعداد ۱۸۰ مورد در ۲۶ صفحه به بیان معیارهای سنجش ارزش اختصاص یافته است. این آمار نشان می‌دهد که بحث از معیار ارزش‌ها در نظر علامه مصباح بسیار با اهمیت تلقی شده است و از اعتبار و روایی خاصی برخوردار می‌باشد. اعتبار اینجا یعنی اینکه موضوع معیار سنجش ارزش‌ها به‌خودی‌خود ارزش تجزیه و تحلیل را دارد و روایی در اینجا یعنی اینکه چنین موضوعی دارای قابلیت و ارزش کاربردی نیز می‌باشد.

اینکه منشأ انتزاع ارزش‌ها چیست و چگونه پدیدار می‌گردند و به چه سمت و سویی نظر دارند، نمونه پرسش‌هایی هستند که بخشی از این مقاله متصدی پاسخ به آنها از نگاه علامه مصباح است. بخش دیگر و البته کلیدی‌ترین مبحث مقاله به تبیین معیارهای سنجش ارزش‌ها از همین منظر، در دسته‌بندی دوگانه عقلی و نقلی با رویکرد استنتاجی - تحلیلی اختصاص یافته است. رویکرد استنتاجی از این بابت مورد استفاده قرار گرفته است که علامه مصباح در هیچ یک از آثار خود یکجا به‌طور متمرکز معیارهای سنجش ارزش‌ها را مورد بحث و بررسی قرار نداده است. پراکندگی موارد ضرورت بهره‌برداری از رویکرد استنتاجی را ایجاب می‌کرد.

رویکرد استنتاجی - تحلیلی اقتضا می‌کند نویسنده دست‌کم با مروری بر تمامی آن دسته از آثار علامه مصباح که مصطلحات و مفاهیم ارزشی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند نسبت به پاسخ پرسش‌های فوق اقدام کند و از طریق برنهادسازی فروع بر اصول و ارزش‌ها بر مبانی، معیارهای موردنظر سنجش ارزش‌ها را استنتاج و تجزیه و تحلیل نماید. بدین ترتیب، تعیین خط سیر این بحث و بررسی در اصل منوط به استخراج مفاهیم ارزشی و تشخیص و تحلیل معیارهای سنجش ارزش‌ها از

مجموعه آثار نوشتاری و گفتاری استاد علامه مصباح است.

مروری بر آثار علامه مصباح و پیشینه تحقیق زمینه را برای استنباط و درک و دریافت معیارهای سنجش ارزش‌ها در ساحت‌های گوناگون ارزشی و توصیف و تجزیه و تحلیل آنها فراهم می‌آورد. در این راستا، روش تحقیق روشی توصیفی - تحلیلی و در مواردی نقلی - روایی می‌باشد. ابزار و منابع تحقیق به‌نوبه خود مجموعه آثار نوشتاری و صوتی و تصویری آن استاد فرزانه خواهد بود.

این پژوهش نشان خواهد داد که براساس آثار علامه مصباح، نظام ارزشی موردقبول و باور جامعه پشوتانه اصلی برای تعیین معیارهای سنجش مفاهیم ارزشی تلقی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که نمونه معیارهای عقلی سنجش ارزش‌ها در هر نظام فکری از جنبه نظری و عملی عبارتند از: اصالت ارزش‌ها، واقعیت عینی ارزش‌ها، پایداری ارزش‌ها، انتقال‌پذیر بودن ارزش‌ها و عمق و شدت ارزش‌ها در تطابق و سازواری ارزش‌ها با باورها. از سوی دیگر، براساس یافته‌ها، هماهنگی ارزش‌ها با هدف آفرینش، استنادپذیری ارزش‌ها به محک‌های قرآن، تناسب ارزش‌ها با التزام به ولایت الهی، رابطه ارزش‌ها با ایمان و عمل صالح و انگیزه‌مندی ارزش‌ها برای قرب الهی از جمله کلیدی‌ترین معیارهای نقلی سنجش ارزش‌ها از منظر درون دینی به‌شمار می‌روند.

۱. پیشینه پژوهشی

با جستجویی که به عمل آمد مشخص گردید تعداد قابل‌توجهی از آثار نوشتاری شامل کتب و پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی به‌صورت اجمالی و عام و یا به نحوی کلی به بررسی ارزش از منظر علامه مصباح اختصاص یافته است. هرچند تاکنون در این رابطه بحث‌های مفیدی در باب ارزش و ارزش‌گذاری توسط پژوهشگران تنظیم و ارائه گردیده است؛ لیکن تا آنجا که اطلاعات نویسنده ایجاب می‌کند حتی به یک مورد هم برخورد نشد که پژوهشگری به‌طور خاص موضوع معیار سنجش ارزش‌ها و یا موضوعی مشابه و یا نزدیک به آن را از نگاه و اندیشه علامه مصباح مورد بررسی قرار داده باشد. مروری بر آثار منتخب زیر تا حدودی گواه این مدعا است:

- ترکاشوند، احسان، ۱۳۸۶، *تحلیل و بررسی منشأ ارزش اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی و استاد*

آیت‌الله مصباح یزدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

این پایان‌نامه، ضمن پرداختن به مفهوم‌شناسی ارزش و انواع آن، منشأ ارزش اخلاقی از دیدگاه استاد مصباح را در مقایسه با دیدگاه علامه طباطبایی مورد بحث و بررسی قرار داده است، بدون اینکه سخنی در رابطه با معیارهای سنجش ارزش‌ها به‌میان آورد. (ر.ک: ترکاشوند، ۱۳۸۶: ۱۶ - ۱۲، ۱۳۱ - ۹۵)

- جان‌نثاری، حسن، تابستان ۱۳۹۱، *چیستی و مبانی کمال‌نهایی انسان از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

در این پایان‌نامه نیز، بدون التفات به معیار سنجش ارزش‌ها، از اموری چون قرب الهی، لذت و کمال و سعادت، واقع‌نمایی گزاره‌های اخلاقی، واقع‌گرایی در اخلاق، ضرورت بالقیاس علی در بیان رابطه مابین فعل و هدف اخلاق، ارزش ذاتی کمال‌اختیاری انسان، تأثیر نیت در ارزش فعل و ایمان به خدا و نبوت و معاد به منزله حداقل ارزش و ... بحث به‌میان آمده است. (ر.ک: جان‌نثاری، ۱۳۹۱: ۲۳ - ۱۹، ۴۳ - ۴۱، ۵۷ - ۵۵، ۱۵۸ - ۱۴۹)

- ذوالفقاری، محمد، بهمن ۱۳۹۲، *فلسفه سیاسی علامه مصباح‌یزدی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

در این پایان‌نامه، بدون حتی اشاره به معیار سنجش ارزش‌ها، در توصیف ارزش، ویژگی‌های مهمی چون واقع‌گرایی معرفتی، مطلق‌گرایی، اعتدال، توحید محوری، شمول و جامعیت، قابلیت تبیین عقلانی و منطقی، حسن فعلی و فاعلی، هماهنگی نظام حقوقی و سعادت به‌مثابه غایت‌نهایی نظام ارزشی از جمله اموری است که مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۱، ۶۹ - ۶۷)

- کاظمی، حمیدرضا، ۱۳۹۳، *برنامه درسی و تربیت اخلاقی با نگاهی بر آثار علامه مصباح‌یزدی*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

نویسنده، آن‌گونه که خود در مقدمه بیان داشته، کوشیده است «با مراجعه به مباحث گفتاری، نوشتاری و رفتاری علامه مصباح، مبانی، اصول و شیوه‌های تربیت اخلاقی را استخراج و استنباط کرده، تصریحاً یا تلویحاً تحت عنوان مینا، اصل یا روش قرار دهد». (کاظمی، ۱۳۹۳: ۲۱) وی بدین‌ترتیب، فصل دوم از بخش دوم کتاب را به بیان «ملاک‌های فعل اخلاقی» اختصاص داده است و در همین رابطه به تبیین ملاک‌هایی چون حسن فعلی، حسن فاعلی، اختیار، معرفت، توجه به نظارت دائم خداوند، وصول به کمال مطلوب و نهایی، آگاهی و انتخاب آگاهانه و بینش و ایمان پرداخته است. (ر.ک: همان: ۹۳ - ۸۶)

- مصباح، مجتبی، ۱۳۹۹، *تحلیل ارزش اخلاقی از منظر استاد مصباح‌یزدی، در جرعه‌ای از کوثر مصباح: مروری بر اندیشه‌های علامه مصباح‌یزدی*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

در این مقاله از موضوعاتی چون تحلیل مفهوم ارزش، ارزش ذاتی و غیره، غایی و ابزاری، تعیین مصداق ارزش، مصداق ارزش ذاتی، مصداق کمال انسان، مراتب ارزش اخلاقی و ... بحث به‌میان

آمده است (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۹: ۲۰۹ - ۲۰۳). نویسنده تنها در حد دو سطر راجع به راه تشخیص ارزش اخلاقی اظهار داشته است: «ارزش اخلاقی افعال تابع تأثیری است که در کمال انسان، یعنی قرب به خدا دارند. برای تشخیص ارزش اخلاقی سه راه عمده وجود دارد که به مجموع آنها نیاز داریم: عقل، تجربه و وحی». (همان: ۲۱۱ - ۲۱۰)

همان‌گونه که مشاهده شد به‌جز کتاب برنامه درسی و تربیت اخلاقی با نگاهی بر آثار علامه مصباح یزدی، نوشته کاظمی - آن هم به‌اختصار و محدود به مستوای ارزش‌گذاری افعال اخلاقی - سایر آثار هیچ‌کدام به بیان و بررسی معیارهای سنجش ارزش‌ها نپرداخته است. بدین ترتیب، با نبود بحث مستقل و جامعی در خصوص معیارهای سنجش ارزش‌ها از منظر علامه مصباح، در اهمیت و ضرورت پرداختن به پژوهش حاضر تردیدی باقی نخواهد ماند.

۲. مفاهیم ارزشی؛ بایدها و نبایدها

قبل از بررسی معیارهای سنجش مفاهیم ارزشی، برداشت روشنی از این سنخ مفاهیم هرچند به‌طور اختصار لازم به نظر می‌رسد. انسان‌ها در ساحت‌های مختلف زندگی همواره با دو دسته از مفاهیم سر و کار دارند. دسته‌ای از مفاهیم مربوط به هستی‌ها و نیستی‌ها و بیان آنچه هست و آنچه نیست می‌باشند. دسته‌ای دیگر از مفاهیم مربوط به بایدها و نبایدهای مبتنی بر هستی‌ها و نیستی‌ها و بیان آنچه باید و آنچه نباید، هستند. از باب مثال گزاره‌هایی چون خدا هست و شریکی برای او نیست، جهان هدفمند آفریده شده است و بیهوده خلق نگردیده است، سعادت بشر در گرو پیروی از حق است و شقاوت او در اطاعت از باطل و نظایر آن تفسیر مفاهیم دسته اول است. از طرف دیگر، جملات انشایی چون باید خدا را پرستید و نباید نافرمانی او کرد و یا باید به راه سعادت رفت و نباید مسیر شقاوت پیمود و نظایر آن بیانی از مفاهیم دسته دوم به‌شمار می‌روند.

به بیانی دیگر، مفاهیمی را که ما به‌کار می‌گیریم، گاه درباره چیزهایی است که هست و موجود است و گاه درباره چیزهایی است که می‌گوییم باید چنین شود یا نباید چنان شود. مفاهیمی را که در بطن معنای آنها «باید» و «نباید» است، مفاهیم ارزشی می‌گویند. کار خوب کدام است؟ کاری است که باید انجام داد. کار بد کدام است؟ کاری که نباید انجام داد. صلاح چیست؟ چیز شایسته‌ای است که باید در پی آن بود. فساد چیست؟ چیزی که باید جلوی آن را گرفت یا نباید آن را انجام داد. صلاح و فساد دو مفهوم ارزشی هستند؛ یعنی وقتی آنها را تحلیل کنیم، در آنها باید و نباید وجود دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۲۸ - ۱۲۷)

از میان مفاهیم ارزشی، برخی از مفاهیم منوط به شرایط و محدود به زمان، مکان، قوم، جامعه و نظام ارزشی - فرهنگی خاصی می‌باشد، در صورتی که برخی دیگر فارغ از هر شرایط و اقتضائات، مکان، زمان، جامعه و نظام ارزشی دارای ارزش عام فطری و نفس‌الامری هستند. با تأمل در دو مورد مثال زیر می‌توان به تفاوت مابین این دو دسته از مفاهیم پی برد:

از نظر اسلام دروغ گفتن در شرایطی که به اصلاح بین دو نفر بیانجامد جایز است. (خوب و بد بودن دروغ منوط به شرایط و موقوف به اقتضائات ویژه و نظام ارزش خاص است). «ملاک صدق و کذب در چنین قضایایی، مطابقت و عدم مطابقت آنها با مدارک و منابع اخلاقی و حقوقی است و راه شناختن آنها هم مراجعه به منابع مربوط به نظام معین است و مثلاً راه شناختن قواعد اخلاقی و حقوقی اسلام، مراجعه به کتاب و سنت می‌باشد». (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۲۴۶)

باید به عدالت رفتار کرد و از ظلم و ستم پرهیز نمود. (خوب بودن عدالت و ضرورت عمل بر وفق عدالت و در مقابل بد بودن ظلم و ستم و ناروا بودن عمل بر پایه ظلم از جمله مفاهیم فراگیر فطری است که در هیچ فرهنگ و از نظر هیچ نظام ارزشی محدودیت بردار نیست، بلکه به صورت فطری تمامی آحاد بشری به آن باور دارند. «ملاک صدق و کذب و صحت و خطا در قضایای اخلاقی و حقوقی، تأثیر آنها در رسیدن به اهداف مطلوب است؛ تأثیری که تابع میل و رغبت یا سلیقه و رأی کسی نیست و مانند سایر روابط علی و معلولی، از واقعیات نفس‌الامری است». (همان: ۲۵۰)

گرچه در بیان فوق، صحبت از قضایای اخلاقی و حقوقی به میان آمده است، لیکن بدیهی است که چنین تعریفی اختصاص به این دو دسته از ارزش‌ها ندارد. در هر صورت، مفاهیم ارزشی «گاه بسیار وسیع است و همه کارهای خوب یا همه کارهای بد را در بر می‌گیرد. به مفاهیمی که همه کارهای خوب یا همه کارهای بد را در بر می‌گیرند، مفاهیم ارزشی عام گویند». (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

۳. نظام ارزشی - فرهنگی پشتوانه نظری معیارهای سنجش ارزش‌ها

درواقع، باورها به مثابه مبانی و ارزش‌ها به منزله اصول دو رکن اصلی یک جریان و یا یک نظام ارزشی - فرهنگی به‌شمار می‌روند. ارزش‌ها هنگامی به درستی ارزیابی و سنجش خواهند شد که بتوان معیارهای اصیل، معتبر و قابل‌قبولی را در موردشان به کار بست و بر پایه باورها، درستی و نادرستی و حق و باطل بودن آنها را تشخیص داد.

درواقع اصالت و اعتبار ارزش‌ها وابسته نظام ارزشی اصیلی است که بر حقیقت استوار است. در یک جامعه دینی از باب نمونه، ما با دو گونه ارزش و ارزش‌گذاری مواجهیم: گونه اول ارزش‌های ثابت و

تغییرناپذیری هستند «که از باورهای دینی سرچشمه می‌گیرند». (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب: ۳ / ۱۵۳)

در مقابل، گونه دوم شامل آن دسته از ارزش‌های ملی و آداب و رسوم قومی و قراردادهای اجتماعی هستند که یک جامعه دینی از دیرباز به آنها ملتزم بوده و هست به نحوی که جزو فرهنگ آن جامعه به‌شمار رفته است. گاه چنین ارزش‌هایی حتی «فربه‌تر از صرف ارزش‌های دینی تعریف می‌شوند». این دو گونه ارزش‌ها تابعی از نظام ارزشی حاکم هستند هر چند که «اساساً از دو خاستگاه متفاوت نشأت گرفته‌اند.» به وضوح مشخص است «که تغییر در دسته دوم گزندی به ارزش‌های ثابت و غیرقابل تغییر نمی‌رساند». (همان)

برپایه نظام ارزشی - فرهنگی است که یک فعل اخلاقی از باب نمونه فضیلت و یا رذیلت و یا خنثی شمرده می‌شود. به تعبیری، چنانچه فعل اخلاقی در رساندن انسان به کمال و سعادت حقیقی وی نقش و تأثیر مثبت داشته باشد، آن فعل دارای ارزش مثبت است و فضیلت خوانده می‌شود. اما چنانچه آن فعل انسان را از کمال و سعادت حقیقی باز دارد، آن فعل دارای ارزش منفی است و رذیلت خوانده می‌شود. در صورتی که فعل اخلاقی هیچ نقش و اثر مثبت یا منفی در رساندن انسان به کمال مطلوب و یا بازداری وی از رسیدن به کمال مطلوب نداشته باشد، آن فعل خنثی تلقی خواهد شد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۳۲۸)

در موارد گوناگونی از آثار علامه مصباح بر تابعیت مفاهیم ارزشی نسبت به نظام ارزشی تأکید شده است. از مباحثی که به‌عنوان نمونه مرتبط با ارزش‌های ناشی از فرهنگ عاشورا طرح گردیده است به‌دست می‌آید که مفاهیم ارزشی نمی‌توانند با معیار تجربی عینی سنجیده شوند. مفاهیم ارزشی در واقع «تابع دستگاه و نظام ارزشی هستند.» بنابراین، داوری در مورد اینکه چه کاری خوب شمرده می‌شود و چه کاری بد، به نظام ارزشی و فرهنگی حاکم بر جامعه بستگی تمام دارد. باید دید آن نظام ارزشی چه چیزی را خوب و چه چیزی را بد می‌شناسد و چه معیاری برای سنجش خوب و بد و شایسته و ناشایست دارد؟ (مصباح یزدی، ۱۳۸۲ الف: ۱۲۸)^۱

این نظام ارزشی است که بهای اشخاص و هر آنچه بدان وابسته است را تعیین می‌کند. از باب مثال، گفته می‌شود: «در نظام ارزشی اسلام، انسان بما انه انسان، یعنی انسان‌های منهای فکر و اعتقاد، ارزشی ندارند. در نظام ارزشی اسلام، انسان ... با داشتن جهان‌بینی و ایدئولوژی صحیح، یعنی

۱. کتاب *آذر خنثی دیگر از آسمان کربلا* محصول مجموعه سخنرانی‌های استاد علامه مصباح در حسینیه شهدا قم، محرم ۱۴۲۱ (فروردین ۱۳۷۹)، می‌باشد. در این اثر واژه ارزش ۹۸ مرتبه ذکر شده است.

اسلام و ایمان به خدا، ارزش انسانی پیدا می‌کند؛ یعنی در صورتی که از جهت اعتقادات و ارزش‌ها متصل و مرتبط باخدای جهان بشود». (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج: ۴۱۲ - ۴۱۱) در این میان، هر نظام ارزشی - فرهنگی که ریشه در حقایق داشته باشد و با فرهنگ آرمانی و کمال مطلوب انسانی سازگارتر باشد، از اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱ د: ۱۶۶)

از باب نمونه، وحدت مسلمانان یکی از عالی‌ترین ارزش‌هایی است که اسلام بر آن اصرار می‌ورزد. نظام ارزشی - فرهنگی اسلام و قوانین اسلامی برگرفته از آن معیار این وحدت به‌شمار می‌رود. همچنین کسی که متولی نظام ارزشی - فرهنگی است و به امضا و اعتبار او قوانین اسلامی به اجرا گذاشته می‌شود نه تنها معیار وحدت مسلمین است بلکه ضامن اجراء قوانین اسلامی نیز هست. قرآن می‌فرماید: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ؛ دین را معیار قرار بدهید و پیرامون آن وحدت داشته باشید». (شوری / ۱۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۲ الف: ۲۱۶)

بنابراین، در همین راستا، دو ملاک ممکن است مطرح شود که بازگشت هر دو به یک چیز است؛ در بخش قوانین، «احکام اسلام» و در بخش اجرا «ولی فقیه» ملاک وحدت است. برای کسانی که بخواهند واقعاً دین در جامعه به‌دست کسی که مأذون از طرف امام زمان علیه السلام است اجرا شود، این دو ملاک، مهم است: حاکمیت قوانین اسلام به‌دست ولی فقیه؛ این می‌تواند معیار وحدت باشد.

اختلاف سلیقه‌ها زیاد است و هیچ‌گاه هم برداشته نخواهد شد، شیوه‌های رفتاری مختلف است، روش‌هایی پیاده کردن اهداف هیچ‌گاه واحد نخواهد بود، اما این دو مورد می‌تواند ملاک وحدت جامعه باشد: همه بخواهند اسلام جاری شود و همه بخواهند که احکام اسلام به‌دست کسی پیاده شود که اولاً اسلام شناس‌تر از دیگران - به خصوص در مسائل اجتماعی - باشد، و ثانیاً از طرف خدای متعال و اولیای دین مأذون باشد، تا غاصب نباشد. حالا اگر به ولایت فقیه تمسک کردید، طبعاً اسلام هم هست، چون ولی فقیه که به غیراسلام حکم نمی‌کند. پس می‌توانیم بگوییم براساس محور ولایت فقیه، وحدت حاصل می‌شود. (همان)

به بیانی که گذشت روشن شد که در یک جامعه اسلامی که مسلمانان بناست به ارزش‌های اسلامی ملتزم و وفادار باشند، نظام ارزشی و فرهنگی اسلام پشتوانه بنیادین نظری برای سنجش مفاهیم ارزشی خواهد بود. در این صورت، آنجا که قرآن می‌فرماید: «أَصْلِحُوا» (انفال / ۱ و حجرات / ۱۰ - ۹) و یا فرموده است: «لَا تُفْسِدُوا» (بقره / ۱۱ و أعراف / ۵۶، ۸۵)، منظور إصلاح و إفساد از منظر نظام ارزشی قرآن است. به عبارتی، «ملاک ارزش، برخاسته از تفکر توحیدی و پرهیزگاری

است. خدای جهان یکی است و به همه بندگان به طور یکسان می‌نگرد، تا وضع خود را تغییر دهند. هر کس تقوای بیشتری دارد، نزد پروردگارش عزیزتر است». (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف: ۱۰۹) بر پایه چنین پشتوانه نظری، معیارهای سنجش ارزش‌ها را می‌توان به شرح پیش‌رو با عنایت به دو سنخ بودن معیارها در دو رده عقلی و نقلی تنظیم کرد و ارایه داد.

۱-۳. معیارهای عقلی سنجش ارزش‌ها

۱-۱-۳. اصالت ارزش‌ها معیار استعلای ارزش‌ها

به آن دسته از ارزش‌هایی که هدف اعلائی سلسله ارزش‌ها قرار می‌گیرند و به هیچ‌وجه و تحت هیچ شرایطی از ارزش آنها کاسته نمی‌شود، ارزش‌های اصیل گفته می‌شود. نعمت‌های خدادادی چه همسر و فرزند و خانمان و چه دارایی‌ها و ثروت و مقامات و منزلت‌ها همه هنگامی ارزشمند به معنای واقعی کلمه به‌شمار می‌روند که زمینه‌ساز گسترش معرفت الهی و پرستش و بندگی خداوند باشند و گرنه به خودی‌خود جز منفعت و لذت مادی ارزشی اصیل نخواهند داشت. اینها به هدف رسیدن به ارزش‌های اصیلی چون مقام بندگی خداوند و قرب الهی، از ارزش و اعتبار برخوردار می‌گردند. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج: ۲ / ۶۷)

در مثال دیگر، حب ذات به خودی‌خود از این لحاظ که امری غیراختیاری است ارزشگذاری اخلاقی نمی‌شود، اما چنانچه وسیله و راهی شد برای محبت خدا، از این لحاظ که خدا دوستی در آن مستتر است ارزش‌یابی می‌شود و به‌واسطه محبت اصیل الهی ارزش تلقی خواهد شد. (ر.ک: همان، ۷۰ - ۶۷) حتی مطلوبیت ارزش‌هایی نظیر مروت، انصاف، صداقت و نظایر آن در مقایسه با ارزش اصیلی چون سیر الی‌الله وسیله‌ای و ابزاری است. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۲۳۲)

از این‌رو باید پذیرفت که رفتارهای اخلاقی از دیدگاه اسلام ارزش وسیله‌ای دارند؛ به عبارت دیگر، میزان ارزش هر عملی وابسته به میزان کمک آن در رسیدن به قرب الهی است. افعالی که انسان را در این مسیر یاری می‌دهند از جهتی به دو دسته: عبادت‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند، اما دسته‌ای دیگر را نیز می‌توان بر این دو افزود و آن هم ارزش‌هایی است که از حد نصاب ارزش و مطلوبیت در دستگاه ارزشی اسلام برخوردار نیست، بلکه ارزش آنها فقط در این حد است که آدمی را در مسیر صحیح یاری می‌دهند. این رفتارها نیز در عین اینکه از حد نصاب مطلوبیت برخوردار نیستند از آن جهت که زمینه را برای سیر انسان آماده می‌کنند به نوعی ارزشمندند. (همان، ۲۳۱)

۱-۲-۳. برخورداری ارزش‌ها از ریشه عقلانی و عینی معیاری برای استحکام ارزش‌ها

از منظر نظام ارزشی اسلام، ارزش‌ها هنگامی به ثبات و کمال می‌رسند که از منشأ واقعی عینی و

عقلانی سر زده باشند و نه از پسند و ناپسند و ذوق و خواست و سلیق افراد. بدین ترتیب، تفاوتی نمی‌کند افراد گرایش به امری یا دیدگاهی داشته باشند و یا نداشته باشند، درمورد چیزی یا مطلبی داوری و ارزیابی بکنند یا نکنند. در هر صورت ارزش‌ها به دور از پسند و ناپسند و میل و بی‌میلی و گرایش مثبت و منفی افراد به قوت خود باقی هستند.

برخلاف فرهنگ حاکم بر غرب که براساس آن تمامی ارزش‌ها - خواه اخلاقی و خواه اجتماعی و یا خواه حقوقی و خواه سیاسی و یا هر قلمرو دیگری - صرف اعتبارند و تابع خواست و پسند و ناپسند و سلیقه افراد. از این زاویه، «نمی‌شود گفت که چیزی و اعتقاد و باوری برای همیشه و برای همه دارای ارزش است. بلکه به نظر غربی‌ها مادامی که جامعه آن را می‌پذیرد، ارزشمند است و اگر روزی سلیقه مردم تغییر کرد، همان ارزش تبدیل به ضد ارزش می‌گردد». (مصباح یزدی، ۱۳۹۶ الف: ۲۶۰) افزون بر این، فلاسفه فردگرایی غرب، «اعتقادات و باورهای دینی را نیز در شمار همان ارزش‌های اعتباری قرار می‌دهند و فرد را در گزینش آنها و یا طرد آنها آزاد می‌بینند و آنها را در حدّ یک سلیقه تنزل می‌دهند». (همان)

۳-۱-۳. پایدار بودن ارزش‌ها معیار تغییرناپذیر بودن ارزش‌ها

پایداری ارزش‌ها در برابر جریان ناپایدار ارزش‌ها معیاری دیگر برای سنجش ارزش و ارزش‌گذاری دانسته شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف: ۱۶، ۵۰، ۵۵) بر پایه چنین معیاری، خردمند ارزش‌باور، کسی است که «در دو راهی منافع شخصی و مصالح دینی، ارزش‌های الهی را بر آن امور موقت و زودگذر ترجیح می‌دهد، به این معنا که «ارزش‌های ناپایدار مادی، شهرت‌های علمی و اجتماعی، حتی از نوع مثبت آن، برایش جلوه‌ای» نخواهد داشت. (همان: ۵۰) از این منظر «سعادت‌ها»، از باب نمونه به‌مثابه مفاهیم ارزشی، «گاه موقت‌اند و حداکثر تا زمان مرگ آدمی پایدارند؛ مانند تشکیل خانواده‌ای خوب، زندگی راحت و محبوبیت اجتماعی. اما سعادت ارزشمند است که در روح انسان باقی بماند. ایمان به خدا، اعتقاد درست، اندیشه عالی و معرفت و بصیرت عمیق بدون واسطه سعادت‌آفرین‌اند». (همان: ۶۲، ۱۳۴)

از منظر نظام ارزشی اسلام، ارزش‌هایی اسلامی هستند که تغییرناپذیر و مستقر و پایدار باشند، در غیر این صورت، تفاوتی بین ارزش‌های اسلامی از یک‌طرف و ارزش‌های سکولار از جانب دیگر نخواهد بود. در دنیای سکولار و گریزان از اسلام، داوری درمورد ارزش‌ها تابع خواهش‌ها و گرایش‌های فردی و اجتماعی و یا قراردادهای متغیر و مقطعی در قلمروهای گوناگون زندگی است؛ روزی رفتاری ارزش است و روز دیگر ضد ارزش و برعکس.

بدین ترتیب، روشن است که اگر نظام ارزشی اسلام قراردادی، آن هم از نوع متغیر آن باشد که تابع تغییر شرایط زمانی و مکانی است، نمی‌توان ادعا کرد که اسلام، نظام ارزشی دارد. رفتاری که امروز ارزش و فردا ضدارزش است به اسلام ارتباط ندارد. تنها زمانی می‌توان ادعا کرد اسلام نظام ارزشی دارد که این پیش‌فرض را بپذیریم که ارزش‌های اسلامی تغییرناپذیرند، اگر بنا باشد امری متغیر باشد، چگونه می‌توان فهمید که در کدامین حالت (ارزش یا ضدارزش) از اسلام محسوب می‌شود و اگر در تمامی حالات، آن را خوب بپنداریم، پس بین اسلام و کفر چه تفاوت و فاصله‌ای است؟ (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۲۶۵)

دلیل اینکه قرآن از باب نمونه انسان‌ها را به توشه برداشتن برای زندگی اخروی تشویق می‌فرماید همین است که زندگی اخروی در مقایسه با زندگی فناپذیر دنیوی جاودانه و پایدار است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج: ۱۷۰ - ۱۶۹)

۳-۱-۴. انتقال‌پذیر بودن ارزش‌ها معیاری برای ترویج و گسترش ارزش‌ها

مانایی و پویایی ارزش‌ها تا حدود زیادی به رسانا بودن و انتقال‌پذیر بودن ارزش‌ها بستگی تمام دارد. درواقع، ارزش‌ها در نگرش اسلامی «وسیله‌ای برای انتقال ارزشمندترین مواهب الهی به افراد و جوامع هستند». (ر.ک: همان، ۱۳۹۱ الف: ۱۶)

از این جنبه که ترویج ارزش‌ها رسالت مشترک عالمان دین است. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ق: ۲۱۱ - ۲۰۹) باید باور داشت که ارزش‌ها از قابلیت انتقال‌پذیری و رواج‌یافتگی برخوردار هستند و در این راستا بیش از همه دولت اسلامی باید نسبت به ترویج و گسترش شعائر الهی اهتمام ویژه بورزد و از هرآنچه موجب ترویج و تقویت فرهنگ و شعائر کفرآمیز است جلوگیری به عمل آورد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۲۱۱) انتقال ارزش‌ها صرفاً انتقال مفاهیم به اذهان مخاطبان نیست، بلکه افزون بر این، انتقال ارزش باید در روح و روان آنان تأثیر گذارد و به زندگیشان جهت دهد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف: ۶۴)

۳-۱-۵. عمق و شدت و کیفیت ارزش معیار برتری ارزش

ارزش‌ها هر اندازه عمیق‌تر باشند و از کیفیت عالی‌تر برخوردار باشند، از منظر نظام ارزشی اسلام مطلوب‌تر خواهند بود. اساساً، مطلوبیت یک ارزش علاوه بر سایر ویژگی‌ها، به میزان شدت و عمق و کیفیت ارزش‌ها نیز بستگی دارد. انسان به حکم فطرت نه تنها جویای ارزش‌های پایدار و ماندگار است، بلکه از جنبه کیفی نیز در جستجوی ارزش‌های قوی و عمیق نیز می‌باشد.

قرآن در مقایسه مابین زندگی دنیوی و اخروی از باب مثال علاوه بر ویژگی ماندگاری و پایداری لذت‌های آخرت نسبت به لذت‌های دنیا، به ویژگی کیفیت برتر لذایذ زندگی اخروی تصریح کرده، می‌فرماید: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»، (أعلى / ۱۷) و جهان دیگر بهتر و پایدارتر است. پیرو این آیه «کیفیت و دوام» دو معیار اساسی برای برتری لذت‌های اخروی به‌شمار می‌روند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد واژه «خیر» در این‌گونه آیات اشاره به همین شدت بیشتر و کیفیت بالاتر و خلوص آن از آلام و رنج‌هاست. بنابراین، آیه فوق و آیات مشابه آن با همه ایجاز و کوتاهی به همه معیارهای گزینش و ترجیح، اشاره کرده‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج: ۱۷۰ - ۱۶۹)

۲-۳. معیارهای نقلی سنجش ارزش‌ها

۳-۲-۱. هماهنگی با هدف کلی آفرینش معیار کمال‌یافتگی ارزش‌ها

برای هر عمل اختیاری در هر ساحتی آرمان و هدفی در نظر گرفته می‌شود «که فوق همه آنها کمال نهایی در سایه قرب به خدای متعالی است. هرگاه این هدف، انگیزه رفتار انسان واقع شود، خواه رفتار فردی باشد و خواه اجتماعی، دارای ارزش اخلاقی خواهد شد». (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ز: ۱ / ۲۵۰) افزون بر این، التزام به چنین ارزشی عالی‌ترین نوع لذت را در کام انسان مقرب به درگاه خدا می‌چشاند که برتر از آن نمی‌توان لذتی یافت. در حقیقت، لذت انس با خدا و کسب قرب و منزلت در پیشگاه الهی نیز در کنار نوع اول، لذت‌هایی انسانی است؛ بلکه لذات انسانی همین نوع است، زیرا نوع اول در حیوانات هم یافت می‌شود. ولی این تفاوت بارز را با آنها دارد که همانند آنها خودبه‌خود و به‌طور طبیعی استعداد درک آنها در انسان شکوفا نمی‌شود، بلکه عوامل خارجی و تلاش‌های انسانی در شکفتن آنها نقش اساسی دارند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲۵۲)

در جهت‌گیری فعالیت‌های روزمره، برخی از فعالیت‌ها بابت «تأمین نیازمندی‌های طبیعی و دنیوی و ارضای غرایز حیوانی است» و برخی دیگر در مسیر «تأمین منافع و مصالح اجتماعی و جلوگیری از فساد و هرج‌ومرج» صرف می‌شود. هنوز فعالیت‌هایی نیز صورت می‌پذیرند که هدفشان «رسیدن به سعادت ابدی و کمال معنوی و روحی» است. از گروه اول نمی‌شود انتظار داشت که فراتر از سطوح مادی و جسمانی منشأ ارزش و ارزش‌گذاری حقیقی و راستین باشد. لیکن گروه دوم و سوم خاستگاه ارزش و معیار روشنی برای ارزش‌گذاری به‌شمار می‌روند. در این میان، «بالاتر از همه این است که انگیزه رفتار، رسیدن به کمال حقیقی انسان باشد که مصداق آن از نظر بینش اسلامی همان قرب خدای متعالی است». (همان: ۲۴۹)

در مجموع، «یک جامعه، وقتی ارزش دارد و محترم است که هماهنگ با هدف کلی آفرینش سیر کند و نظام رفتاری و آیین زندگی‌اش وقتی محترم است که در جهت تکاملش باشد و یا دست‌کم، بر ضدتکامل آن جامعه و مانع تعالی آن نباشد». (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج: ۳ / ۴۱۱)

در حقیقت، این اسلام و باورهای ایمانی است که «به حرکت انسان به سوی کمال مطلق و قرب الهی جهت می‌دهد و هدایتگر وی در همه شؤون زندگی است.» بر اساس این، هر انگیزه و رفتاری که «در جهت اطاعت از خداوند و کسب رضای او انجام پذیرد، ارزش پیدا می‌کند». (مصباح یزدی، ۱۳۸۳ ب: ۴۷)

۳-۲-۲. استنادپذیری به آیات محکومات قرآن معیار حقیقی بودن ارزش‌ها

آیات «محکومات قرآن» یعنی آن دسته از آیات - «که معانی آنها روشن است و معارف آنها قابل تردید نیست» - از جمله معیارهایی است که قرآن در برابر متشابهات بر اهمیت نقش آن به مثابه اساس قرآن (أُمُّ الْكِتَابِ) در بازنمایی و تبیین و اعتبارسنجی ارزش‌های راستین تأکید می‌ورزد. (آل عمران / ۷) هنگامی که به آسانی و با فهم و درک روشن برگرفته از بصیرت دینی بتوان ارزش‌های والای الهی - انسانی را به آیات قرآن استناد داد و بر آنها تأکید ورزید، استنادی این چنین معیار روشنی برای اعتبار ارزش‌ها در سطح و مستوای ارزش‌های راستین و حقیقی خواهد بود. از این منظر آیاتی که اصول و امهات معارف قرآن را به روشنی تمام بیان می‌دارند در حقیقت معیار و ملاک درستی و نادرستی «معارف دینی» قرار می‌گیرند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۹۱)

۳-۲-۳. التزام به ولایت الهی معیار متعالی بودن ارزش‌ها

از میان تمامی معیارهایی که در مورد ارزش و ارزشگذاری عنوان گردیده‌اند معیاری به قوت و اهمیت ولایت الهی نمی‌توان یافت. به عبارتی، چه بسا بتوان ولایت الهی را وجه مشترک همه معیارها و ارزشگذاری‌ها برشمرد. در همین رابطه حاملان ارزش‌ها، از جمله گروه‌هایی که قرآن به وجودشان تصریح فرموده است به‌ویژه پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان با سلسله مراتبی که دارند همه دارای وجه مشترکی چون التزام به ولایت الهی به‌مثابه نعمت معنوی و پایدار می‌باشند.

افزون بر این، اینان چهار گروه الگو برای کسانی هستند که مشتاق‌اند بر صراط مستقیم حرکت کنند. «پس اگر کسی خواهان چنین مقام بلندی است، راهی جز این ندارد که در مسیر آنان گام نهد.» در واقع، پیامبری، صدیق بودن، صالح بودن و شهادت - به هر دو معنای شهید شدن در راه خدا و گواه اعمال و رفتار مردم بودن - از جمله چهار ویژگی ممتاز هستند که بابت برخوردار شدن از نعمت

هدایت ویژه الهی لزومی ندارد حتما در یک فرد انسانی جمع شده باشند؛ بلکه کافی است وجه اشتراک حاملان این ویژگی‌ها به‌خصوص در پذیرش ولایت الهی مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب، باید توجه داشت که ویژگی‌های چهارگانه‌ای که بر شمرده شده، وجه مشترکی دارند که می‌توان آن را معیار و رمز آن ویژگی‌ها و خصایص عالی قرار داد تا در پرتو اتصاف به آن، شخص بتواند به مقامات عالی پیامبران، صالحان، راستان و شهیدان نزدیک شود. با استفاده از قرآن و روایات به این نتیجه می‌رسیم که جامع مشترک بین ویژگی‌های ذکرشده، سروکار داشتن و ارتباط با خداست که در قرآن از آن به پذیرش ولایت الهی تعبیر می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳ ب: ۳۱۳)

۳-۲-۴. ایمان و عمل صالح معیار ارجمندی بینش و کنش انسان

انسان متعالی کسی است که در پرتو ایمان و عمل صالح مراتب کمال‌یافتگی را در ناحیه بینش و کنش یکی پس از دیگری طی کرده باشد. چنین شخصی در طول زندگانی خویش هرگز از سامان‌دهی این دو ناحیه و بهره‌مندی مناسب از آنها دریغ نخواهد ورزید.

به هر طریق، «ملاک ارزش در اسلام، ایمان و عمل صالح است...». (مصباح یزدی، ۱۳۸۲ ب: ۲۹۰) چنانچه از باب نمونه انسان به فرازهای دعای مکارم الاخلاق و مضامین بلند آنها توجه ویژه مبذول دارد، در خواهد یافت که درخواست‌های مطرح در این دعا به یک هرم چهار بُعدی می‌ماند که محورهای چهارگانه ارزش‌های متعالی، یعنی «ایمان کامل، اعتقاد در حد بالاترین مراتب یقین، بهترین نیت خالصانه و ارزشمندترین اعمال»، در چهار بُعد به‌مثابه وجوه جانبی این هرم ترسیم یافته‌اند. به عبارتی، «این، روی بیرونی هرم است. این چهار عنصر ارزشمند در درون هرم با یکدیگر ارتباط دارند و در یکدیگر اثر می‌گذارند و صفات ارزشمند دیگری را به‌وجود می‌آورند». (همان)

مهم‌تر از ساختار شکلی و عنصری هرم مزبور، جهت‌خدایی بودن این ساختار است که براساس آن زندگی انسان در همه شئون فردی و اجتماعی به سمت خدا جهت می‌یابد. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۳ ب: ۴۷)

۳-۲-۵. نیت معیار انگیزشی ارزش‌ها

آخرین اما نه کمترین، در تمامی موارد ارزش و ارزش‌گذاری افزون بر عمل ارزشی در جایگاه حسن فعلی، این نیت عمل است که در جایگاه حسن فاعلی تعیین‌کننده ارزش مثبت و یا منفی آن کاری است که انجام می‌پذیرد. از این منظر، نیت را باید جزو «مهم‌ترین عامل ارزش‌گذاری» در ساخت‌های گوناگون اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و سایر ساخت‌های ارزشی برشمرد. معیار انگیزشی تا

آنجا شاخص است که «حتی یک کار کاملاً مشخص، ممکن است با دو انگیزه متضاد انجام بگیرد: یک انگیزه، بسیار خوب و یک انگیزه، بسیار بد. هیچ کاری را با صرف‌نظر از انگیزه انجام آن نمی‌توان ارزش‌گذاری کرد. این حقیقتی است که در بسیاری از فلسفه‌های اخلاق، مورد غفلت قرار گرفته است.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج: ۳ / ۳۳) بر اساس این، «زمانی عمل انسان بهترین عمل محسوب می‌شود و با ایمان ارتباط پیدا می‌کند که واسطه آن نیت الهی باشد. بهترین نیت‌ها ارزشمندترین اعمال را به دنبال می‌آورد.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲ ب: ۲۹۰) از منظر فلسفه اخلاق اسلامی «ارزش، حدّ نصابی دارد که اسلام کمتر از آن را به حساب ارزش اصلی نمی‌گذارد. نصاب ارزش اسلامی کار، آن است که انگیزه انسان در انجام آن الهی باشد.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج: ۲ / ۲۹۲)

پیرو برداشت روشنگرانه از آیات و روایات،^۱ نقش نیت را در ارزش‌گذاری هرگز نمی‌توان نادیده انگاشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اعمال با نیت توأمان هستند و ارزش کار هر شخصی به نیت او بستگی دارد. (منسوب به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ ق: ۵۳)^۲ بدیهی است ارزش متعالی و مثبت به نیت شایسته و راستین تعلق می‌گیرد. صاحب چنین نیتی براساس روایات دارای قلب سلیمی است که در اثر اخلاص در پیشگاه خدا از گرفتار آمدن به وسوسه‌های منکرات مبرا و پیراسته گشته است. (همان)^۳

۱. «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (اسراء/۸۴)، بگو هر کسی بر پایه شاکله (نیت) خویش رفتار می‌کند، پس پروردگارتان (با اطلاع از شاکله هرکسی) نسبت به (حال و وضع) کسی که به راه هدایت یافته‌تر است دانایتر است. برخی روایات «شاکله» را به مفهوم «نیت» گرفته‌اند. از جمله روایتی به نقل از حضرت امام صادق علیه السلام که فرمودند: «إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يُعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَإِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا فَإِنَّ نِيَّتَاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ أَيَّ عَلَى نِيَّتِهِ؛ همانا اهل آتش در آتش همیشه خواهند ماند چرا که نیاتشان این بوده که چنانچه در دنیا باقی بمانند نافرمانی خدا بکنند و همانا اهل بهشت در بهشت ماندگارند چرا که نیاتشان این بوده که چنانچه در دنیا باقی بمانند همیشه فرمانبر خدا باشند.» پس به واسطه نیت است که این گروه و آن گروه در جایگاه خود برای همیشه می‌مانند. حضرت سپس فرمایش خداوند متعال: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» را تلاوت فرمودند و «شاکله» را به «نیت» تفسیر کردند. (برقی، ۱۳۷۱ ق: ۳۳۱/۲)

۲. قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: ... إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى ...

۳. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: صَاحِبُ النِّيَّةِ الصَّادِقَةِ صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقَلْبِ مِنْ هَوَاجِسِ الْمُخْذِرَاتِ بِتَخْلِيصِ النِّيَّةِ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ. إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ؛ حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: صاحب نیت راستین دارای قلب سلیم است چراکه سلامت قلب از وسوسه‌های منکرات به کمک خالص‌سازی نیت در کارها برای خداوند متعال حاصل می‌گردد، همان‌گونه که خداوند متعال از روز قیامت یاد کرد به روزی که مال و فرزندان هیچ سودی نخواهند بخشید و تنها کسی سود خواهد برد که با قلب سلیم به بارگاه الهی بار یابد.

البته عامل مؤثر در ارزش کار، منحصر در نیت نیست. ممکن است کسی هدف و نیتش خوب باشد، اما راه تحقق بخشیدن به آن را نداند و کار را به گونه‌ای انجام دهد که حتی موجب ضرر مادی و معنوی خودش یا دیگران شود. پس صرف حسن نیت، به تنهایی ملاک ارزش‌گذاری نیست؛ ولی نادیده گرفتن آن نیز در ارزش‌گذاری کار، درست نیست و انسان را از حقیقت دور می‌سازد. (همان)

نیت‌ها در مواردی منجر به گسست بین دو عمل از ارزش صفر تا صد می‌شوند. از باب مثال، نمازی که پیرو روایات معراج المؤمن دانسته شده است و انسان نمازگزار را تا تقریباً بی‌نهایت عروج می‌دهد، همین نماز چه بسا انسان را به قعر جهنم بکشد.

این دو اثر متناقض از یک عمل واحد، مربوط به دو نیت مختلف می‌شود. یک نیت باعث می‌شود نماز، انسان را در ملکوت بالا ببرد، اما همین نماز با نیتی دیگر، انسان را در جهنم سقوط می‌دهد... این چنین است که نیت تا این حد می‌تواند ارزش عمل را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو معیار ارزش‌گذاری کارهای عبادی و روح عبادت، «نیت» است. مهم این است که عبادت را به چه «انگیزه‌ای» انجام می‌دهیم. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳ الف: ۲۸۱)

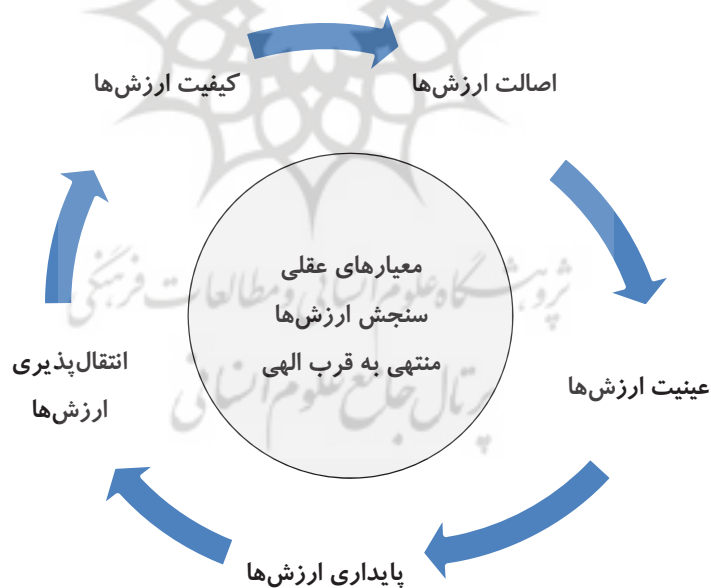
نتیجه

با الگوبرداری از رویه ثابت و ماندگار علامه مصباح در تبیین مفاهیم و مصطلحات در آغاز هر بحث، نخست مفاهیم ارزشی با تمرکز بر برداشت ایشان از مؤلفه‌های بحث تبیین شد، سپس با مراجعه مکرر به آثار مکتوب استاد، معیارهای دهگانه سنجش ارزش و ارزش‌گذاری استنباط و استخراج گردید. لازم به یادآوری است که در هیچ اثری از آثار علامه بحثی به صورت مستقل ذیل عنوان خاص این تحقیق و یا مرتبط با موضوع آن یافت نشد. بدین‌قرار، هر یک از معیارهای ارایه‌شده در این مقاله مستند به موارد و مواضع گوناگونی و نه به یک مورد و موضع ویژه از آثار ایشان می‌باشد. برخی از این معیارها به صراحت و برخی دیگر به‌طور ضمنی، متناسب با موضوعات و مطالب مطرح در آثار، توسط علامه به بحث گذاشته شده است.

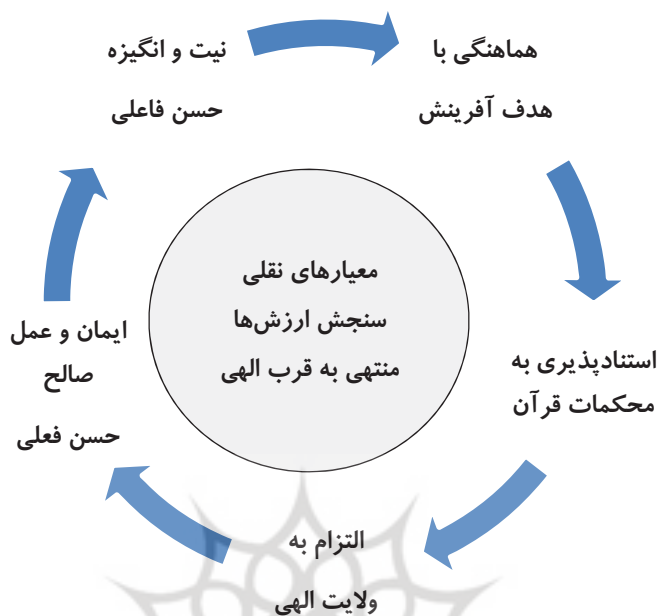
سیر در مجموعه آثار استاد این فرصت بسار مغتنم را در اختیار نویسنده قرار داد تا با دقت و علاقه خاص در جستجوی معیارهای کلان سنجش ارزش و ارزش‌گذاری از منظر علامه باشد. حاصل این جستجو به تشخیص ده معیار بنیادین در دو رده عقلی و نقلی برای سنجش ارزش‌ها انجامید که به نوبه خود اهتمام ویژه علامه را نسبت به بحث از ارزش‌ها و معیارهای ارزش‌باوری و ارزش‌گذاری

به نمایش می‌گذاشت. در میان اقران علامه مصباح کمتر شخصیتی را می‌توان سراغ داشت که به اندازه ایشان بر طرح و تجزیه و تحلیل موضوعات و مباحث ارزشی این همه جدیت و عنایت به خرج داده باشد.

در رده‌بندی و ترتب معیارها نیز نگارنده به الگوی خاصی در آثار استاد دست نیافت. از این‌رو، بر پایه درک و فهم خویش، صرفاً برحسب معیارهایی که به ماهیت ارزش تعلق دارند و آن را توصیف می‌کنند تا معیارهایی که به‌منزله مصادیق مهم ارزش تلقی می‌گردند اقدام به طبقه‌بندی معیارها نمودم که حاصل آن در طرحواره پیش‌رو انعکاس یافته است. پیرو این طرحواره، معیارهای ده‌گانه کاملاً در هم‌پوشانی و هم‌افزایی با یکدیگر نقش تعیین‌کننده‌ای را در قلمرو ارزش‌شناسی و تعیین اعتبار و رَوایی ارزش‌ها ایفا می‌کنند. همان‌گونه که در مقدمه مقاله بیان شد، اعتبار به میزان ارزیابی و به‌ها داشتن ارزش‌ها برای طرح بحث و تجزیه و تحلیل علمی نظر دارد، همچنان که رَوایی ظرفیت کارایی و کاربردی بودن ارزش‌ها را معین می‌کند.



طرحواره معیارهای عقلی سنجش ارزش‌ها و ارزشگذاری‌ها



طرحواره معیارهای نقلی سنجش ارزش‌ها و ارزشگذاری‌ها

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ ق، *المحاسن*، تحقیق و تصحیح جلال‌الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامیه.
۲. ترکاشوند، احسان، ۱۳۸۶، *تحلیل و بررسی منشأ ارزش اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی و استاد آیت الله مصباح یزدی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳. جان نثاری، حسن، ۱۳۹۱، *چیستی و مبانی کمال نهایی انسان از دیدگاه آیت الله مصباح یزدی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴. ذوالفقاری، محمد، ۱۳۹۲، *فلسفه سیاسی علامه مصباح یزدی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

معیارهای سنجش ارزش‌ها از منظر علامه مصباح یزدی با رویکرد استنتاجی - تحلیلی □ ۱۷۷

۵. کاظمی، حمیدرضا، ۱۳۹۳، *برنامه درسی و تربیت اخلاقی با تگاهی بر آثار علامه مصباح یزدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۶. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۳ الف، *به سوی او*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۸، *آموزش فلسفه*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۸. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، *آذرخشی دیگر از آسمان کربلا*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۹. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ الف، *آفتاب مطهر: زندگی، اندیشه و خدمات علمی و فرهنگی علامه شهید، آیت‌الله مرتضی مطهری*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ ب، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ ج، *اخلاق در قرآن*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ د، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ و، *نظریه سیاسی اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ هـ، *به پیشواز خورشید غرب: گزارش سفر آیت‌الله مصباح یزدی به اسپانیا و امریکای لاتین*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴ الف، *پیش نیازهای مدیریت اسلامی*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴ ب، *پاسخ استاد به جوانان پرسش‌گر*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۴۰۰، *مجموعه آثار علامه مصباح*، نرم‌افزار مشکات، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۳، *ب، به سوی تو*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۰، *قرآن در آیینه نهج البلاغه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *ز، آموزش فلسفه*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۲، *انسان‌سازی در قرآن*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش شریفی، احمدحسین، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۳. مصباح، مجتبی، بی‌تا، «تحلیل ارزش اخلاقی از منظر استاد مصباح یزدی»، در: *جرعه‌ای از کوثر مصباح: مروری بر اندیشه‌های علامه مصباح یزدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۴. منسوب به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۰۰، *مصباح الشریعه*، بیروت، اعلامی.